

حزب دمکرات و زمان نامناسب دفاع از اسلام

هر وقت میدان پیدا کند و قوانینش به نرم جامعه تبدیل شود، جهل و خرافه، قتل و کشتار، زن ستیزی و کودک آزاری و هزار بدبختی دیگر دامنگیر مردم خواهد شد؟ کدامیک از قوانین اسلام "برادری و صلح و همزیستی" را در طول تاریخ برای بشریت به ارمغان آورده که امروز ملاهای بی عمامه در رهبری حزب دمکرات در ستایش آن قلمفرسایی میکنند؟ تروریسم آشکار اسلام و قتل مخالفین توسط جریانات اسلامی نه تنها توسط باند شرور جندالاسلام بلکه توسط تمام جریانات اسلامی، امری عادی و هر روزه بوده که خود رهبری حدکا نیز از "برکات" آن بی بهره نبوده و بخشی از رهبرانش قربانی شده‌اند. واقعیت این است که حاکمیت دو دهه حکومت مذهبی در ایران و جنایات تروریستی ۱۱ سپتامبر و بدنبال آن واقعه اخیر در کردستان عراق چنان پرده از چهره کریه اسلام و "آیین مقدس" آن برداشته و چنان صف عظیمی از مخالفت و تنفر علیه آن را بوجود آورده که دفاعیات حزب دمکرات تنها میتواند باعث پرده برداشتن از چهره ارتجاعی

صفحه ۲

تبهکاریهایی را مباح دانسته است". آنچه از کلمه به کلمه سطور فوق نمایان است، دفاع بیدریغ رهبری حدکا و تلاش برای اعاده حیثیت از اسلام و قوانین آن میباشد. حزب دمکرات به عبث میکوشد تا چهره عمیقا غیر انسانی و شنیع اسلام را رنگ آمیزی کرده تا بدینصورت آن را از زیر تیغ حمله بشریت مدرن و آزادیخواه خلاص کند. امروز دیگر بیش از دو دهه است که مردم در ایران، عراق، افغانستان، شمال آفریقا و بسیاری از کشورهای خاورمیانه با گوشت و استخوان خود ماهیت شنیع قوانین "مقدس اسلام" و نتایج عملی آنها را لمس کردند. مگر کم هستند زنانی که بدست باندهای اسلامی دولتی و غیر دولتی ترور شده، به صورتهایشان اسید پاشیده‌اندو زندگیشان تباہ شده است؟ غیر از این است که هر جا پای طرفداران اجرای "آیین مقدس" اسلام به حاکمیت و قدرت رسیده، زندگی میلیونها انسان به جهنمی تبدیل شد که افغانستان تنها یک مورد آن است. آیا امروز برای کسی توهمی باقی مانده است که اسلام

در اطلاعاتی تحت نام "نظر حزب دمکرات کردستان ایران در ارتباط با رویدادهای اخیر منطقه حلبجه" به تاریخ ۷ مهر ۱۳۸۰ (۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱) موضعی اشکارا اسلامی بیان داشته است که تامل بر آنها لازم است. در اطلاعاتیه رهبری حدکا چنین آمده است: "این اعمال ضد انسانی و خلاف اصول اسلامی که به نام آیین مقدس اسلام نسبت به انسان و انسانیت انجام میگردد به هیچ روی تازگی ندارد. ... این اولین بار نیست که عده‌ای که خود را پیرو آیین اسلام جا میزنند، در کردستان مرتکب اعمال تروریستی شده و ... رهبری حزب دمکرات در ادامه دفاعیات خود از اسلام میگوید: "مردم کردستان نیک میدانند که اعمال قبیح تروریستی ادا ارتباطی با آیین مقدس اسلام ندارد. چرا که اسلام آیین برادری و صلح و همزیستی بوده و نسبت به هتک حرمت انسانها، تحت هر عنوانی، بیزار است. ... و نه آیین مقدس اسلام نیز در هیچ موردی دست یازیدن به چنین



خالد حاج محمدی
khaledhaji@yahoo.com

عملیات وحشیانه ۲۳ سپتامبر باند تروریستی جندالاسلام در منطقه حلبجه و کشتن و سر بریدن ۴۰ نفر از نیروهای اتحادیه میهنی، بار دیگر خواست پاک کردن کردستان عراق از باندهای اسلامی را در جامعه وسیعا مطرح کرد. این واقعه تکان دهنده در بطن جنایت عظیم تروریستی ۱۱ سپتامبر که هزاران نفر از مردم بیگناه آمریکا را به کام مرگ فرو برد، موجی عظیم از تنفر را علیه جریانات تروریست و اسلام سیاسی دامن زد. تا جایی که به واقعه کردستان عراق و وحشیگری تروریسم اسلامی برمیگردد، دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران (حدکا)

ضد تروریسم
احزاب ناسیونالیستی

صفحه ۳

تلاش برای بازگرداندن گروههای اسلامی به حلبجه را باید خنثی کرد

صفحه ۴

طول موج
رادیو انترناسیونال هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران
۲۵ متر برابر با
۱۱۶۳۵ کیلوهرتز
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

گدائی و ترحم اسلامی و قومی

در کنار و همراه با این سلطه سیاه اسلامی پدیده کودک خیابانی ابعاد وسیعتری بخود گرفته است تا جایی که طبق "تحقیقات" ژورنالیستهای باشرقی که مقام خود را زیر سایه سیاه رژیم اسلامی کسب کرده‌اند، به وجود ۳۰ هزار کودک "ولگرد" در سنین ۶ تا ۱۴ سال آنهم فقط در تهران و ۲۰۰ هزار نفر در سطح کشور اشاره میکنند. روزانه فقط در تهران تعداد کسانی که از میان این کودکان میمیرند، ۱۵۰ نفر است. این آمار، کودکان

صفحه ۲

صد هزار اعدام نیست، فقط رژیم فرستادن کودکان دبستانی روی میدانهای مین نیست، فقط رژیم سنگسار و شلاق و اسید پاشی و آپارتاید جنسی نیست. این رژیم در عین حال رژیم شکنجه روانی شهروندان نیز هست، رژیم فراهم کننده شرایط روی آوری وسیع به اعتیاد چه بعنوان "شغل" و چه بعنوان مسکن دردهای مردم بیکار و فقیر و ناتوان در حل مشکلات خود، رژیم به خودکشی و خود سوزی کشاندن زنان نیز هست.



ایرج فرزاد

جمهوری اسلامی تنها با سرکوبهای آشکار و قتل نفس شناسائی نمیشود. این فقط رژیم

به مردم آزادیخواه کردستان عراق



اصغر کریمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گدائی ...

غیر "ولگرد"، آنهایی که به کار بردگی کشیده میشوند را در برنمیگیرند. به این پدیده دختران خیابانی و شبکه دلان فروش دختران کم سن و سال را به طفیلیهای پولدار در ایران و شیوخ کشورهای خلیج باید اضافه کرد.

نکتههای ناشی از سلطه بختک رژیم اسلامی بر مردم ایران یکی و دو تا نیست. بدبختی مردم و تحقیر هر روزه آنها، آزار و شکنجه روحی آنها و محکوم کردنشان به مرگی جانکاه و عذاب آور و سلب حیثیت انسانی از آنها و پایمال کردن حرمت انسانی شهروندان فقط و فقط سیر صعودی دارد.

پدیده گدایان و متکدیان در رژیم اسلامی ابعاد وسیعی به خود گرفته است. در همه شهرهای ایران و از جمله در شهرهای کردستان، خیابانها و معابر عمومی، اطراف مساجد و قبر امام ها و امامزادهها پر از این انسانهاست.

زنی همراه با کودکی شیرخوار و یا یکی دوساله، مردی که از خجالت سرش را دائما پائین گرفته و دستش را به سوی عابرین دراز کرده و یا دستمالی را جلو خود پهن کرده است، جوانی که به دلیل نقض جسمی با نگاهی کشنده میخواهد ترحم دیگران را تحریک کند. و در این میان ساموران رژیم که گاه و بیگاه به جان این "مزاحمین" میافتند، آنها را جمع میکنند و به "کانوهای" مراقبت از متکدیان میبرند.

بعدا به شرایط وحشتناک و بشدت غیر انسانی که بر این مراکز حاکم است اشاره میکنم. در این میان و بر بستر این سیمای فقر و تحقیر انسانی، "احسان" اسلامی و ترحم حقارت بار "مسکین نوازی" و یتیم نوازی اسلامی را شاهدیم. "مومنین"، و خیل آن طفیلیها و انگلهائی که تحت حاکمیت رژیم اسلام به ثروتهای باد آورده رسیدهاند، آن قشری که از نکبت اسلام به مقام رسیده اند و دنیا را به کام خود یافته اند، اینها در اوج تبختر و شکر در آستان خدا و میراث اسلام برای رضای پروردگار و تضمین جانی در بهشت برای خود و بعنوان وظیفه ای اسلامی از کنار انبوه گدایان رد میشوند و سکه های احسان را به طرف آنان پرت میکنند. انتظارشان این است که این مسکینان برایشان دعا کنند تا خدا سایه آنها و حکومتشان را از سر مستمندان کم نکند. و این قشر طفیلی هم از خدا و ولی و پیامبر و قرآن خود میخواهد که حکومت اسلام و بنده نوازی حکام "دست و دل باز" اسلامی تداوم یابد.

خود همین منظره، یعنی مسکین نوازی قشری انگل و بیکاره و مرتجع و بار تحقیر انسانهایی که فقر و فلاکت و بیکاری تحمیلی رژیم همان لاشخورهای اسلامی در جامعه ایران تولید کرده است در خود آزار دهنده، ضد انسانی و به شدت غیرعادلانه و وارونه است. کسانی که تحت سیاه ترین رژیمهای معاصر و بر بستر نقض حقوق

انسانی شهروندان جامعه ایران به مقام مومنین صاحب مکتب رسیده اند، طفیلیها و کثافتنهائی از قبیل رفسنجانی و اعوان و انصار رنگارنگ زعمای اسلام که از استثمار و اختلاس و چپاول اموال و ثروت جامعه به سطح ارباب و صاحب جامعه رسیده اند، آری همین قشر بیکاره و بی خاصیتی که جمهوری اسلامی را بنیان گذاشتند و برای حفظ خود و اموال تاراج کرده در این بیست و چند سال از هیچ جنایتی فروگذار نکرده اند، اینها دست مستمندان را میگیرند و نهادهای تحت اداره آنها به "اصلاح و مراقبت" مردم فقر زده و به حاشیه جامعه پرتاب شده میپردازند!

و در این کانون و نهادها چه میگذرد؟ روی دیگر دستگیری از مستمندان و روح واقعی احسان اسلامی را در این مکانها میتوان دید. همچون وضعیت زندانهای رژیم هیچ کس کمترین اطلاعی از شرایط به شدت ضدانسانی حاکم بر این مراکز را ندارد. اگر انسان نشسته در کنار خیابانها تحقیر دائم مردم ناظر و ترحم آزار دهنده طفیلیهای ثروتمند اسلامی را بر روح خود احساس میکند، در این مراکز و در جایی که این "مزاحمین" را گرد آورده اند شرایط به شدت غیر انسانی و غیر بهداشتی و بی مسئولیتی کامل جمهوری اسلامی را چون روی دیگر همان عوامفریبی و مسکین نوازی اسلامی میتوان دید. اخیرا یک خبرنگار روزنامه

نوروز از یکی از این کانونها گزارشی تهیه کرده است. به قسمتهائی از این گزارش توجه کنید و خود در مورد ابعاد غیر انسانی پدیده گدائی بعنوان همزاد فقر ناشی از سلطه رژیم اسلامی و در باره عمق رباکاری و شارلاتانیسم اسلامی مسکین نوازی اسلامی قضاوت کنید. ببینید چه گوشه های پنهان و فراموش شده ای در ایران تحت حاکمیت اسلام وجود دارد که در آن حرمت و حیثیت و وجدان انسانی آدمها مشله میشود و با بی رحمی و شقاوت اسلامی له میگردند:

«به یکی از این آسایشگاهها) یعنی محل گردآوری گدایان، در شهر مشهد سر میزنیم. با چند نفر آنها گفتگو میکنم: مردی که دست دو بچه خودش را گرفته و نگران و ملتمس تو را نگاه میکند، دختری که تا کلاس نهم درس خوانده است و آشپزی و خیاطی هم بلد است، مرد دیگری که نقاشی ساختمان و عکاسی بلد است و همگی به خاطر بیکاری سرگردان کوچک و خیابانها شدهاند. این "آسایشگاه" حمام ندارد، شپش آزادترین موجود است و بوی تعفن فضا را در خود فشرده است، انگار همه منتظر مرگاند. زنانی روی زمین خوابیدهاند و در اطاق مخصوص کودکان دیوارها با ذغال نقاشی شده است. همه چیز دنیا از این موجودات دریغ شده است» (نقل از گزارش روزنامه نوروز صفحه ۹ چهارشنبه ۱۸ مهر) در کردستان این پدیده علاوه بر بنده نوازی اسلامی رخسار سنی

گرائی و قوم پرستی کردایه تی را به خود گرفته است. آقای صلاحالدین مهتدی رهبر افتخاری دارو دسته زحمتکشان در یک گفتگو با افتخار اعلام میکنند که حس کردایه تی و تمایل به قوم پرستی ملی در سالهای اخیر سندنچ را درنور دیده و به کرمانشاه و ایلام نیز رسیده است. اینها خواب دیده اند تا بازار قوم پرستی و بنده نوازی زعمای قوم پرست روزی روزگاری چون بختکی به نکبت اسلامی اضافه شود. اینها عاشق تحمیل فقر به مردم تحت پرچم کردایه تیاند و با امید زعامت و سرکردگی بر "هموطنان" محتاج و نیازمند لطف بزرگان، دارند روز شماری میکنند. برای مدافعین قوم پرستی و طرفداران فدرالیسم قومی زندگی انسانی، رفاه و سعادت مردم، و آزادی از تعلقات و تعصبات ملی و قومی هیچ جایگاهی ندارد. همان منظره های مسکین نوازی و تبختر اسلامی اما این بار با روحیه ای عشایری و کردایه تی و در ترکیبی با اسلامگرایی و سنی گری. و این تصویر را ساهاست که همراه با حاکمیت خود در برابر مردم کردستان عراق گرفتهاند.

بازار حقارت آمیز مسکین نوازی اسلامی و قومی را باید برچید، در جامعه ای مرفه، در جامعه ای که اسلام و قوم پرستی از قدرت بزرگ کشیده شده است و به دخالت آن در زندگی مردم پایان داده شده است، در یک جامعه مرفه و آزاد و برابر، برخورداری



حزب دمکرات ...

و اسلامی خود این حزب شود. اگر بدنال عملیات تروریستی در امریکا ما شاهد تقابل دو قطب تروریسم دولت آمریکا و ناتو و باندهای اسلامی از قماش طالبان و ... هستیم، در مقابل بشریت شاهد نیروی سومی است که مبارزه واقعی علیه تروریسم را پیش میبرد. مگر حزب دمکرات خود شاهد جنبش عظیم ضد اسلامی در خود ایران و عراق نیست؟ مگر این حزب خود تماشاگر صف چند ده هزار نفره مردم سلیمانیه که خواهان پاک کردن کردستان از جریانات اسلامی هستند نیست؟ پس چرا

لایبیک و مدرن در میان جوانان و زنان و خطرات آن برای حکومتشان هشدار میدهند و راه و چاه برای نجات اسلام و دولتش را به هم نشان میدهند. رهبری حزب دمکرات دقیقاً با علم به این جنبش ضد مذهبی، با علم به تفرق عمیق مردم از قوانین اسلامی به تکاپو افتاده است. این حزب نیز در بقای اسلام خود را ذینفع میداند. حدکا در طول حیات خود اگر از یک طرف بر احساسات ملی و ناسیونالیستی سرمایه گذاری کرده است، از طرف دیگر مذهب اسلام را در جهت مقابله با مدرنیسم و آزادیخواهی بدست گرفته است. اکنون که جنبشی

مدرن و سکولار علیه حاکمیت اسلام در جریان است، اکنون که بیش از هر زمان چهره واقعی و عملکرد اسلام در ابعاد وسیع افشا شده است، این حزب هم در صف مدافعان مذهب در تلاش است تا اعتراض بر حق مردم آزادیخواه را علیه احکام اسلامی منحرف کرده و آنرا به سهم خود به بیراهه بکشاند. ارتجاع اسلامی در تاروپود باورهای این حزب، در آلترناتیوی که برای جامعه ارائه میدهد، در فرهنگ و اخلاقیات آنها ریشه دوانده و بخشی واقعی از هویت آن را تشکیل میدهد. به همین دلیل رهبری حدکا نیز نگران رشد جنبش مقابله با مذهب و اسلام سیاسی

است. لذا رهبری این حزب هم تقلا میکند چهره ای ملایمتر از اسلام و قوانین اسلامی ارائه دهد. اما رهبری حدکا به عبث در فکر چنین تلاشی است. امروز صف آزادیخواهی، صف جوانان و زنان و مردان منتفر از قوانین اسلامی، قویتر از آن است که رهبران کوتاه بین و ریاکار حزب دمکرات فکرش را کرده است. این حزب بد زمانی به فکر دفاع از اسلام افتاده است. آنچه در این میان نصیب حزب دمکرات و رهبریش خواهد شد چیزی جز افشای چهره اسلام پناهی و ارتجاع دوستی این حزب نخواهد بود.



معنای زمینی "ضد تروریسم" احزاب ناسیونالیستی کرد

عبدالله شریفی

مدتی است از فاجعه هولناک ۱۱ سپتامبر میگذرد. این جنایت ضد انسانی دنیا را لرزاند، این آدمکشی تروریستی یادآور فاجعه دردناک و تلخ هیروشیما و ناکازاکی بود. کشتار هزاران انسان در یک لحظه.

تازه این پایان کار نیست، اکنون دو قطب ارتجاعی و تا مغز استخوان تروریست در مقابل هم به جنگ تبلیغاتی عظیمی علیه جهان بشریت دست زده اند که میروند تا دنیا را در آستانه جنگی ویرانگر قرار دهند.

در مقابل این تحولات، همه موضع گرفتند، هر جریانی نبا به مصالح طبقاتی و سیاسی خاصی تبیین خود را ارائه میدهد.

بیعتها، لبیک گوییها، چرخشها و صف آرییها با شتاب سرسام آوری به پیش میروند،

تروریسم از مقولهای سیاسی و از پدیدههای وحشتناک در زندگی مردم کد و رمز این صف آریی شد، همه این ماجرا خبر از آرایش جدیدی میدهد. ژورنالیزم "باشرف" غرب بازاری بالا گرفت، مرده های پوسیده را از قبر بیرون کشید تا بازار الکترونیک سازی و شخصیت سازی را پر رونق نگه دارد، و به مردم جهان بفهمانند که مردم کشورهای اسلام زده باید تحت سلطه اسلام، بمانند. اینها اسلام را اعتقاد و گرایش ریشه دار

در اذهان مردم خاورمیانه و شمال آفریقا میدانند و زندگی تحت قوانین اسلام را شایسته این مردم ارزیابی میکنند. همراه با بوش و بلر تبلیغ کردند که اسلام دین و اعتقاد یک میلیارد انسان است، که نباید حساب اقلیتی "ضد اسلام" را که به نام اسلام کار میکنند به حساب اسلام سیاسی و جریانات اسلامی گذاشت. و همه این عوامفریبیها را بدون هیچ شرمی و با علم به کارنامه جنایات بیست سی ساله اخیر حکومت جمهوری اسلامی و جریانات اسلامی علیه آزادی و آزادیخواهی و علیه زن و کودک و انسان اعلام میکنند. اینها با وقاحت تمام تلاش میکنند که ماهیت قمه کش و شمشیر چرخان اسلام سیاسی را بپوشانند تا همچنان آنرا علیه چپ و برابری طلبی بر علیه مردم کشورهای اسلام زده داشته باشند.

در گوشه ای از این تصویر عام احزاب ناسیونالیست کرد را می بینیم که ظاهرا در جبهه "عدالت" علیه "تروریسم" ایستاده اند، واقعا اگر انسان در این اوضاع دردناک دل و دماغ خندیدن را داشت، میبایست از "ضد تروریست شدن" کارتونی این حضرات روده پر میشد. اجازه بدهید تا نظری کوتاه بر موضوع دو جریان از این طیف بیفکنیم. تا متوجه معنی زمینی "ضد تروریسم" بزم آنها شویم. اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان عراق طی این مدت در چند بیانه مشترک و

کلی نشریات و گفتار جداگانه به روشنی به مواضع خود پرداخته اند. چکیده تمام آن اینست که از سیاستهای دولت امریکا حمایت کنند و همزمان اسلام سیاسی را تظهير کنند و در پشت تعرض به گروه کوچکی از فاشیست ترین و آدم کش ترین اسلاميون خود را مخفی کنند.

جلال طالبانی میگوید: "ما از سیاستهای دولت بوش حمایت میکنیم و اجازه نمیدهیم که کردستان افغانستان شود ما اجازه نمیدهیم که تروریستها کردستان را جولانگاه خود کنند. ما خواهان اجرای قرارداد تهران هستیم، ملت کرد مسلمان است و اجازه نمیدهند آنچه خلاف اسلام باشد در کردستان اجرا شود، اعمال جنجالاسلام، با اسلام و با منافع ملت کرد مخالف است و ما به آنها اجازه نمی دهیم که کردستان را محل تاخت و تاز تروریستهای افغانی کنند"

(از سخنرانی جلال طالبانی در تلویزیون کردستان). حتی جنایت اخیر تروریستهای اسلامی و سر بریدن وحشیانه افراد مسلح یکیتی "زعما" را تحت تاثیر قرار نداد، تعدادی از افراد این جریان قربانی توحش و جنایت اسلامی شدند، آنها به وحشیانه ترین شیوه جلو چشم مردم سرشان را از تنشانشان جدا کردند و شمشیرهای خونین را همانجا با جسد قربانیان پاک کردند، ولی در مقابل، رهبران اتحادیه میهنی تعدادی ملای مرتج را به جلو صحنه فرستاده

میچینند. مردم ایران سزاوار زندگی تحت یک مشت جانور و طفیلی اسلامی نیستند، این رژیم فقر و فلاکت و نکبت و تمام زوائد و حواشی اسلامی آنرا باید از بنیان بر افکند. مردم حق دارند از حق معاش و حق حیات برخوردار باشند. مشکل مردم با جایگزینی نوعی از احسان و ترحم اسلامی با نوع ملی و قومی آن حل نمیشود. در کردستان جریانات قومی و ناسیونالیستی سعی دارند مشکلات و مسائل مردم

تحصن به ناچار اخبار آنرا پخش کرد. مردم هم میدانند که سازش و مماشات جریانات حاکم ناسیونالیست برکردستان عراق با گرایشات اسلامی، هدف باز گذاشتن دست جمهوری اسلامی را برای ادامه دخالت در زندگی مردم تعقیب میکند و حفظ رابطه با این رژیم تروریست اسلامی را در نظر دارد.

نفرت و بیزاری مردم از جریانات اسلامی بر کسی پوشیده نیست. قصابی و جنایت ۲۳ سپتامبر در روستای (خیلی حه مه) تنفر هر انسان شریفی از اسلام سیاسی را صد چندان میکند. کسی که تلاش میکند این جنایت را به حساب تعدادی مسلح اسلامی بنویسد و اسلام سیاسی را، سرچشمه این نوع جنایت یعنی جمهوری اسلامی ایران را تبرئه کند، دامنه نفرت مردم را از تروریسم اسلامی محدود کند، خود میخواست حضور تروریستها را تحمل کند. در حالی که همزمان تحمل دو ساعت پلاکارد نصب شده حزب کمونیست کارگری عراق را ندارند.

خواست پاکسازی جریانات رنگارنگ اسلام سیاسی از کردستان عراق کمترین توقع مردم و عادلانه ترین خواست است. یکیتی و پارتی حق ندارند راه سازش و مماشات با این جریانات را در پیش گیرند و اسلام سیاسی را از جنایاتی که در حق مردم کردستان انجام داده اند تبرئه کنند. مردم باید جبهه برابری طلبی، جبهه آزادیخواهی و رفاه و خوشبختی مردم، صف کمونیسم کارگری را تقویت کنند.



کمک مالی غیرمنظم

خالد علی پناه ۳۰۰۰ کرون
شوبوعلی رمائی ۲۸۰۰ کرون

لیست کمک مالی منظم به کمیته کردستان

محمود خاطری ۱۰۰ کرون
هاله طاهری ۲۰۰ کرون
جبار کردی ۱۵۰ کرون
گلباغ سلیمی ۱۰۰ کرون
عزت دارابی ۵۰ کرون
رسول بناوند ۳۰۰۰ کرون

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به مردم آزادیخواه کردستان عراق بساط جریان‌های اسلامی را درهم بیچید

تظاهرات‌های عظیم شما در سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق در اعتراض به جنایت اخیر اسلامی‌ها در حلبچه و با خواست برچیدن بساط آنها و عدم مماشات احزاب حاکم با آنها، نویدبخش فضای تازه‌ای در صحنه سیاسی کردستان عراق است. اعتراضات شما گوشه‌ای از قدرت جنبش آزادیخواهانه و سکولاریستی شما است که میتواند مقدمه جنبشی بسیار قدرتمند در جهت تحقق یک جامعه سکولار و آزاد، و کوتاه کردن دست مذهب و جریان‌های اسلامی از زندگی مردم، نه تنها در حلبچه بلکه در سراسر کردستان عراق باشد.

سالها است جریان‌های اسلامی در کردستان عراق با اتکا به جمهوری اسلامی و مماشات احزاب حاکم بر کردستان، مشغول فتوا دادن، آدم کشتن، زن ستیزی و زن کشی، آتش زدن و منفجر کردن کتابفروشی‌ها و آرایشگاه‌ها، ترور اعضای جریان‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی و تحمیل قوانین متعفن اسلامی بر زندگی شما بوده اند. اعتراضات گسترده شما در روزهای اخیر نه تنها بیانگر نفرت و انزجار شما از این جریان‌هاست که در عین حال نشانه هوشیاری شما در بهره جستن از فضای کنونی است که امکان تعیین تکلیف نهائی با جریان‌های اسلامی را برای جامعه کردستان ایجاد کرده است.

مبارزه شما برای رها کردن کردستان عراق از شر جریان‌های اسلامی، در عین حال مبارزه ای است علیه جمهوری اسلامی و باندهای آن. در هم شکستن جریان‌های اسلامی و جلوگیری از بازگشت مجدد آنها به حلبچه، و فشار برای الغای همه قوانین کثیف اسلامی که توسط احزاب حاکم، بر زندگی شما، بر زندگی زنان و جوانان و کودکان تحمیل شده است، به معنی کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از کردستان عراق نیز هست. اعتراضات شما بخشی از جبهه وسیعتری است که در ایران و سایر کشورهای اسلام زده علیه این طاعون سیاه جریان دارد. مردم ایران درگیر مبارزه ای گسترده برای سرنگونی حکومت اسلامی هستند و در هم شکستن باندهای این حکومت در کردستان عراق، کمک به امر مبارزه عادلانه مردم در ایران است. جمهوری اسلامی مهمترین سنگر اسلام سیاسی در خاور میانه است و با سرنگونی آن نه تنها بساط این آدمکشان در کردستان عراق برچیده خواهد شد، بلکه این مقدمه در هم پیچیدن طومار اسلام سیاسی در منطقه خواهد بود. به این دلیل مبارزه علیه حکومت اسلامی و در هم شکستن باندهای آن در کردستان عراق، همراهی و شرکت در مبارزه ای گسترده تر برای رهایی صدها میلیون انسان از شر حکومتها و جریان‌های اسلامی است.

مبارزه شما برای رها کردن کردستان عراق از شر جریان‌های اسلامی، در عین حال مبارزه ای است علیه جمهوری اسلامی و باندهای آن. در هم شکستن جریان‌های اسلامی و جلوگیری از بازگشت مجدد آنها به حلبچه، و فشار برای الغای همه قوانین کثیف اسلامی که توسط احزاب حاکم، بر زندگی شما، بر زندگی زنان و جوانان و کودکان تحمیل شده است، به معنی کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از کردستان عراق نیز هست. اعتراضات شما بخشی از جبهه وسیعتری است که در ایران و سایر کشورهای اسلام زده علیه این طاعون سیاه جریان دارد. مردم ایران درگیر مبارزه ای گسترده برای سرنگونی حکومت اسلامی هستند و در هم شکستن باندهای این حکومت در کردستان عراق، کمک به امر مبارزه عادلانه مردم در ایران است. جمهوری اسلامی مهمترین سنگر اسلام سیاسی در خاور میانه است و با سرنگونی آن نه تنها بساط این آدمکشان در کردستان عراق برچیده خواهد شد، بلکه این مقدمه در هم پیچیدن طومار اسلام سیاسی در منطقه خواهد بود. به این دلیل مبارزه علیه حکومت اسلامی و در هم شکستن باندهای آن در کردستان عراق، همراهی و شرکت در مبارزه ای گسترده تر برای رهایی صدها میلیون انسان از شر حکومتها و جریان‌های اسلامی است.

پیروز باد مبارزه مردم آزادیخواه و سکولار کردستان عراق
اصغر کریمی
رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۹ اکتبر ۲۰۰۱

تلاش برای بازگرداندن گروه‌های اسلامی به حلبچه را باید خنثی کرد

تجربه بیش از یکدهه ساخت و پاخت احزاب حاکم در کردستان عراق با جمهوری اسلامی و جریان‌های مرتجع وابسته به آن چیزی جز ترور و ناامنی و مصائب نصیب مردم کردستان عراق ننموده است. به نیروی این مردم آزاده میتوان توطئه بازگشت تروریست‌های اسلامی به حلبچه را خنثی نمود و مانع سازش مجدد اتحادیه میهنی و ارتجاع اسلامی در منطقه شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران همراه با حزب کمونیست کارگری عراق و مردم آزادیخواه و سکولار کردستان عراق خواستار برچیدن کامل اسلامپها و ریشه کن کردن تروریسم اسلامی از کردستان عراق است. هر نوع دخالت جمهوری تروریست اسلامی ایران را در حمایت از گروه‌های تروریستی اسلامی و در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم کردستان عراق بشدت محکوم میکند و مردم آزادیخواه را علیه آن فرامیخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مهرماه ۱۳۸۰
۱۰ اکتبر ۲۰۰۱

توافقنامه مطابق میل و منافع جمهوری اسلامی و گروه‌های اسلامی دست ساز او در سال ۱۹۹۷ تنظیم و به اتحادیه میهنی دیکته شد. این توافقنامه اداره کامل شهر حلبچه و اطراف آن را در چهارچوب "دولت منطقه کرد" در اختیار "جبهه متحد اسلامی" و دیگر گروه‌های تروریست اسلامی قرار میدهد. تاکید مجدد طرفین، بر اجرای این توافقنامه، عملا به معنای بازگرداندن دوباره گروه‌های تروریست اسلامی به شهر حلبچه، حاکم کردن تروریسم اسلامی بر این شهر و ازسرگرفتن دخالت مجدد جانوران اسلامی در زندگی سیاسی، اجتماعی و خصوصی مردم آزادیخواه حلبچه و شهرکها و روستاهای اطراف آن است.

این نشست و تصمیمات ناشی از آن درست برخلاف خواست دهها هزار نفر از مردم تظاهر کننده در کردستان عراق است. زنان و مردان تظاهر کننده در شهرهای کردستان عراق علیه گروه‌های تروریست اسلامی در کردستان عراق شعار داده و خواهان برچیدن کامل بساط تروریستی همه اسلامپون از کردستان عراق و بویژه عدم استقرار مجدد آنان در شهر حلبچه شدند. اتحادیه میهنی اگر ذرهای به خواست و تقاضای مردم توجه داشت، بار دیگر با جمهوری جنایتکار اسلامی و تروریست‌های وابسته به آن سازش نمیکرد.

در نیمه دوم سپتامبر و به دنبال جنگ و کشمکش نظامی گروه‌های اسلامی و اتحادیه میهنی، جنبش متحد اسلامی و جندالاسلام کنترل شهر حلبچه را از دست داده و مجبور به عقب نشینی شدند. این واقعه بعد از جنایت فجیع و تکان دهنده ۲۳ سپتامبر تروریست‌های "جندالاسلام" در کردستان عراق اتفاق افتاد که با قتل و سر بریدن بیش از ۴۰ نفر از اعضای مسلح اتحادیه میهنی تنفر وسیع توده مردم را برانگیختند و مردم با تظاهرات‌های دهها هزار نفری در سلیمانیه و شهرهای دیگر کردستان خواستار برچیده شدن بساط همه گروه‌های تروریستی اسلامی شدند.

بعد از این رویداد جمهوری اسلامی حامی اصلی گروه‌های تروریستی اسلامی در کردستان عراق به تکاپو افتاد و با اعمال فشار بر اتحادیه میهنی تلاش برای بازگرداندن و حاکم کردن مجدد اسلامپها بر حلبچه را در دستور گذاشت.

در ادامه این تلاش مستمر و ارتجاعی، روز ۸ اکتبرنشستی بین جلال طالبانی دبیرکل اتحادیه میهنی و ملا علی عبدالعزیز رهبر "جنبش متحد اسلامی" با نظارت هیئتی از جمهوری اسلامی در قصر شیرین ترتیب داده شد. در این نشست طرفین متعهد شدند که بر مبنای توافقنامه فیما بین سال ۱۹۹۷ خود در تهران رفتار نمایند. این

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

Tel: 0046 739 855 837

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com